خبرها

مجمع عمومی کانون نویسندگان برگزار نشد

شرق: کانون نویسندگان ایران اطلاعیه‌ای صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است: «به دنبال دعوت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده کانون نویسندگان ایران به منظور انتخاب هیات دبیران کانون که پس از چهار سال وقفه برگزار می‌شد، به‌رغم حضور اکثریت قاطع اعضا از ساعتی پیش از زمان مقرر، ضابطین قضایی همراه با ماموران انتظامی ـ امنیتی در محل حضور یافته با ارائه حکمی از برگزاری جلسه جلوگیری کردند.»

جلوگیری وزارت کشور از برگزاری مجمع عمومی خانه احزاب

گروه سیاسی: وزارت کشور از در اختیار گذاشتن محل سالن اجتماعات خود به گروه‌های دور دوم و سوم خانه احزاب برای برگزاری مجمع عمومی خودداری کرد. این دو گروه که بنابر اعلام کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب مبنی بر مخدوش بودن انتخابات شورای مرکزی دور سوم و درخواست وزارت کشور موظف به برگزاری مجمع عمومی و تجدید انتخابات با توافق یکدیگر بودند به دلیل نرسیدن به یک نقطه نظر مشترک به طور مستقل با دعوت از احزاب عضو این خانه به دنبال برگزاری این مجمع عمومی هستند. گفتنی است که این دو گروه از وزارت کشور درخواست در اختیار گرفتن محل سالن اجتماعات آن وزارتخانه را کردند که به دلیل عدم توافق طرفین در برگزاری مجمع عمومی، وزارت کشور از دادن این محل به هر یک از طرفین خودداری کرده است. در پی این اتفاق، حمید قزوینی سخنگوی خانه احزاب ایران به ایلنا گفت: بنا به درخواست نیروهای شاخص طیف اصولگرا از دوستان اصلاح طلب درخصوص مذاکره پیرامون موضوع خانه احزاب، تاریخ مجمع عمومی را به تعویق می‌اندازیم. وی با اشاره به جلسه فوق‌العاده شورای مرکزی خانه احزاب در روز شنبه، گفت: در این جلسه اعضای شورای مرکزی درخواست تعدادی از عناصر و نیروهای شاخص طیف اصولگرا از دوستان اصلاح طلب را درخصوص گفت‌وگو و مذاکره پیرامون موضوع خانه احزاب بررسی کردند. وی افزود: اعضای شورای مرکزی برای اینکه یک بار دیگر حسن نیت خود را اثبات کنند، پذیرفتند که در چارچوب اساسنامه خانه احزاب مجدداً مذاکره صورت بگیرد.

تجمع در دانشگاه شهید رجایی

ادوارنیوز: دانشجویان دانشگاه «تربیت دبیر» شهید رجایی برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان دانشگاه به خواسته‌های صنفی‌شان دست به تجمع زدند. بنابراین گزارش دانشجویان کلیه کلاس‌های دانشگاه را تعطیل کرده و ضمن تجمع در برابر ساختمان ریاست دانشگاه خواستار برکناری رئیس دانشگاه و همچنین حضور وزیر آموزش و پرورش در جمع خود هستند. دانشجویان متحصن که در خوابگاه دانشگاه نیز در همین زمینه دست به اعتراض زده بودند دو خواسته مشخص دارند: اول برکناری رئیس دانشگاه شهید رجایی و دوم حذف گزینش از طریق وزارت آموزش و پرورش برای استخدام دانشجویان. مجید اشرف‌نژاد دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید رجایی نیز در این خصوص گفت: ساعت ۹/۳۰ دقیقه جمعه شب رئیس دانشگاه در محل خوابگاه حضور پیدا می‌کند که دانشجویان ضمن اعتراض به حضور رئیس دانشگاه خواستار رسیدگی به خواسته‌های صنفی خود می‌شوند و ناآرامی در خوابگاه تا ساعت ۱۲ ادامه می‌یابد. صبح شنبه بنا بر قرار قبلی دانشجویان در برابر ساختمان اداری تجمع کرده و بیانیه‌های انجمن اسلامی دانشجویان و کمیته پیگیری خواسته‌های صنفی دانشجویان خوانده می‌شود. اشرف نژاد با اشاره به اینکه مسئولان خواستار معرفی ۵ نماینده برای مذاکره با دانشجویان شده‌اند گفت جمع‌بندی دانشجویان این بوده است که نمایندگان برای مذاکره به پشت درهای بسته نروند و از نمایندگان وزارت‌خانه بخواهند که وزیر آموزش و پرورش با حضور در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی شنوای مشکلات دانشجویان باشد. وی همچنین اعلام کرد که بعد از برگزاری تجمع آرام صنفی شنبه که به تعطیلی تمام کلاس‌های صبح و بعدازظهر این دانشگاه انجامید دانشجویان از صبح روز دوشنبه اعتراضات خود را پیگیری می‌کنند.

نگاه دادفر در مورد سازماندهی مجدد اصلاح‌طلبان

آفتاب: محمد دادفر عضو شورای سیاستگزاری سازمان ادوار تحکیم گفت که اگر با همان گفتمان پیشین در پی سازماندهی مجدد اصلاح‌طلبان باشیم، توفیق به دست نمی‌آید. در پی سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی در دیدار با فراکسیون اقلیت مجلس مبنی بر لزوم بازسازی اصلاح‌طلبان، «محمد دادفر» ضمن اعلام این نکته گفت: «پیش از اینکه سازماندهی اصلاح‌طلبان مورد توجه قرار بگیرد، باید نوسازی گفتمان اصلاحات صورت بگیرد؛ یعنی اول اصلاحات یا اصلاح‌طلبی تعریف شود و مشخص شود که چه باید کرد و بعد به سازماندهی دوباره اصلاح‌طلبان پرداخته شود.» دادفر در ادامه گفت: «فکر می‌کنم اگر با همان گفتمان اصلاح از درون و اصلاح در چارچوب قانون اساسی فعلی در پی سازماندهی مجدد اصلاح‌طلبان باشیم توفیقی به دست نمی‌آید چون آن گفتمان و آن روش، روشی شکست خورده است و گرد آوردن نیروهای اصلاح‌طلب پیرامون یک روش شکست خورده کار عقلانی نیست.» وی در ادامه در پاسخ به این سئوال که اصلاح‌طلبان چه باید بکنند، گفت: «اصلاح‌طلبان باید بدون واهمه و بدون ملاحظه به نقد شفاف عملکرد نظام و عملکرد اصلاح‌طلبان در طول ۱۰ سال گذشته بپردازند و بعد به ترمیم روش‌ها و سازماندهی نیروها از نو برسند.» وی در ادامه با اشاره به سخنان خاتمی خطاب به اقلیت مجلس که «اگر فضا برای کار مهیا نبود صادقانه به مردم بگویید»، افزود: «آقای خاتمی خودش نگفته اگر خواست کار کند، چه کسانی و چه نهادهایی نگذاشتند و بنابراین فکر می‌کنم این توصیه به نمایندگان، توصیه جالبی نیست.» عضو شورای سیاستگزاری سازمان ادوار تحکیم وحدت افزود: «اگر خود آقای خاتمی و نمایندگان دوره ششم، رئیس مجلس و هیات رئیسه مجلس ششم توانستند به طور شفاف به مردم حرف بزنند و بگویند چه خواستند و چه شد، آن موقع می‌توان این انتظار را از نمایندگان اقلیت مجلس هفتم داشت.» دادفر در پایان با اشاره به عملکرد دولت خاتمی و مجلس ششم گفت: «خاتمی و کروبی از شفاف‌گویی پرهیز کردند و حداقل به افشای مانع‌های پیش روی حرکت اصلاحی نپرداختند، بنابراین بهتر است به دیگران این توصیه را نکنند.»

گزارش شرق از مراسم یادبود دکتر یدالله سحابی

رازهای مرد مبارز

عکس: مهدی حسنی، شرق

گروه سیاسی: جامعه فرهنگی و سیاسی ایران عمدتاً از دو منظر متضاد به شخصیت‌های برجسته و اثرگذار خود نگریسته است. در حالی که گروه‌هایی ازجمله «نواندیشان مذهبی ایران»، شخصیت‌های سیاسی و فکری خود را به مثابه الگو برای دینداری و آزادی‌خواهی معرفی کرده و به هواداری از آنان برخاسته‌اند، گروه‌هایی دیگر به تقدیس چهره‌های خود و نفی تحولات جامعه پرداخته‌اند. برهمین اساس در چهارمین سالگرد درگذشت دکتر یدالله سحابی از پیشگامان جریان فکری، سیاسی ملی- مذهبی، روشنفکران دینی روز پنجشنبه، در «حسینیه ارشاد» گردهم آمدند تا صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی خود که می‌توانست توجیه‌کننده تمایلات عملی آنها در عرصه منازعات سیاسی و اجتماعی باشد، بر «فقدان آگاهی‌های تاریخی» در مورد جامعه ایران و جریان‌های سیاسی و فرهنگی آن خط بطلان بکشند. پیدا است که بدون آگاهی از تاریخ گذشته، تحولات جامعه ایران در سه دهه گذشته، به ویژه حوادث دوران هشت ساله اصلاحات به آسانی قابل درک نیست.

■ یک سده مبارزه

بر همین اساس بود که «هدی صابر» هدایت‌کننده مراسم دکتر سحابی گفت: «حلقه‌ای که امروز در این مکان زده‌ایم، به بهانه چهارمین سال وداع موحدی است طبیعت‌شناس که بر محور این دو عنصر، یک سده‌ای زیست، پرکار، پربار، امیدوار، پیغام‌دار. سپیدمویی اندکی کم از یک سده، خوش‌زیست. یکصد سال، درازمدتی است، معادل مجموع حیات پنج جوان تازه‌پا به عرصه نهاده. بخشی از جمع حاضر را طیفی از جوانان نو ورود تشکیل می‌دهند. شاید که یاد آرند ز شمعی از شمع‌های شعله به ته رسیده، اما اشک‌دار و ماندگار. شعله که نیست، پرتو که هست. مرد یک سده سال‌دار که نیست، روش که هست، منش که هست:

محسنان رفتند و احسان‌ها بماند

بس بدیهی است که امروز به قصد مداحی مدرن و مرثیه‌گرایی نو، گردهم نیامده‌ایم. یاد روش‌ها و منش‌ها و بازخوانی آموزه‌های مردان دیروز، مقصد غایی نشست امروز. و نیز اتکایی برای مواجهه با مسائل پیرامون و روز.

در طول سال‌هایی که پس سر نهاده‌ایم، بسیار بوده‌اند انسان‌های وداع گفته و دیده بر هستی فروبسته. آنها بسیارند، اما ما برای تک‌شماری از آنان، می‌آئیم به این مکان. مردان یاد ماندگار خوانوار پیشینه‌دار ملی- مذهبی با مجموعه‌ای از آنچه کرده‌اند، گفته‌اند و ساخته‌اند، ما را به این مکان می‌کشانند. مردانی از نوع یدالله سحابی کمابیش ویژگی‌های مشترک بروز داده‌اند: از آن هنگام که خود شناختند و فکردار و آرمان‌دار شدند، در پی تغییر وضعیت پیرامون و بهبود آنچه که هست برآمده‌اند: تفسیر جهان کافی نیست، در مسیر تغییر وضعیت آن می‌باید مشارکت کرد. چنانچه انسان از بدو خلقت با پیرامون سازش می‌کرد، مدار تکامل مسدود می‌شد و جامعه انسانی، بی‌دستاورد. در پروسه اصطکاک و دگرگونی است که پدیده‌ها متولد می‌شوند؛ روش‌های نو، منش‌های پایدار، آموزه‌های ماندگار و دستاوردهای بهبودبخش مسیر زیست و رشد بشر.

همین مردان، مردان متن‌اند، نه حاشیه؛

راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست

زیست حاشیه‌ای در کمتر زمانی و کمتر روندی منجر به تحولی اساسی، پایدار و همه‌شمول شده است.

اسباب رانده شدن به حاشیه و زیست «صندوق خانه‌ای» در ایران ما بسیار فراهم بوده است. اما این طیف از مردان، به خلوت، به پستو تن ندادند. به میانه آمدند، میانداری کردند، آموزه به جای نهادند. هم آنان، مردان مرارت‌اند. انسان آمده است تا پیرامون بهبود بخشد و در این مسیر، آگاهانه مستهلک شود. استهلاک در عین تلاش، همزمان با جنب، با جوش.

معلولان به چه رفتید درین راه

که مردانه چو فرهاد و چو شداد دمی کوه نکندید

و هم، مردان دمساز با روند تدریج. محمد حنیف‌نژاد جوانی که برتر از پیران آموزه می‌داد، چنین ندا می‌داد: «برای آنکه یک سانتیمتر مکعب خاک در کف اقیانوس رسوب کند، به مصرف یک میلیون سال زمان، نیاز است. طبیعت پرحوصله است. ما نیز در روند تحول می‌باید حوصله کنیم.»

اما در عین حال امیددار به درو محصول و بس یقین‌دار به فرجام خوش روندها؛

پیش‌تر از خلقت انگورها

خورده می‌ها و نموده شورها

همین مردان عرصه تغییر، هم‌پیوندند با کتاب تغییر. زیست مشترک این مردان با قرآن، خود تضمینی بوده است برای حرکتی یقینی و روان. کتابی که هم اینک آن را اعتنایی نیست و پس سر نهاده‌ایم. و بالاخره مردانی رمز و رازدار با منشاء وجد جهان. وجد این طیف، مرتبط با منشاء وجد جهان است. اینکه یدالله سحابی متعدد موقوفه، آموزشگاه و مدرسه ساخت، در بنیان‌گذاری دانشکده علوم مشارکت داشت، در تاسیس نهضت آزادی ایران شرکت جست، در کهولت از پای نمی‌نشست و حتی در آخرین روزهای حیات در اندیشه تاسیس گروه آموزشی دخترانه بود و با حدود یک سده سن، دو ماه از سال را روزه‌دار، رمزش در چه بود؟ خدای خالق عالم امکان نه بن‌بست دارد، نه خستگی، نه نومیدی. انسان‌های هم‌پیوند با او نیز همچنین‌اند. پروردگار پرجلال و جبروت، هر آنگاه که انسان‌هایی از این دست عزم حرکتی کرده‌اند، مسیر را برای آنها آب و جارو کرده است. اینان در مسیر آب و جارو شده گام زده‌اند. «از جام وجدآور ساقی واحد، چشیده‌اند.» لذا دکتر سحابی، «مردی برخاسته از متن توده‌های مردم این سرزمین و خودساخته بود. مردی که هیچ‌گاه میان معرفت علمی و عرفان توحیدی تناقض قائل نبود.»

■ نیاز به الگو و نمونه

بر همین اساس احمدصدر حاج سیدجوادی که از معدود بازماندگان نسل اول جریان فکری سیاسی ملی ـ مذهبی است، پشت تریبون قرار گرفت تا در چهارمین سال فقدان دکتر یدالله سحابی از هم‌اندیش و هم‌رزم خود در نهضت آزادی ایران بگوید. آغازگر سخنان صدرحاج سیدجوادی این گونه بود: «در جامعه آلوده به رسوبات فرهنگ استبدادی، تغییر و تحول در رفتارهای فردی و جمعی مردم بیش از هر چیز نیازمند نمونه و الگو است.» او گفت: «در حرکت‌های اجتماعی آرمان‌گرا و آرمان‌محور، برای تاثیرگذاری بر روند تحولات فکری و روحی مردم، پیش از ارائه فکر و اندیشه و برنامه، احتیاج به کسانی است که معرف کم‌وبیش کامل و صادقانه فکر و اندیشه آن حرکت‌ها باشند. مکتب‌های فکری، جهان‌بینی‌ها، حرکت‌های اجتماعی، حتی ادیان الهی اگر نتوانند الگوی خود را در قالب شخصیت‌های حقیقی به مردم ارائه دهند، قادر به ایفای نقش خود در تغییر جامعه نخواهند بود و در بهترین شرایط تنها ممکن است در کتابخانه‌های تاریخ به یادگار بمانند.» صدرحاج سیدجوادی در ادامه دکتر سحابی را نمونه و سرمشق زنده آن فکر و اندیشه‌ای معرفی کرد که مردم را به آن دعوت می‌کرد و برای پیروزی آن رنج زندان و محرومیت و فشارهای سیاسی را در دوران‌های مختلف تحمل کرد. احمد صدرحاج سید جوادی که از جمله بازیگران صحنه انقلاب اسلامی بود، از خاطرات خود و بنیانگذاران نهضت آزادی ایران گفت. اما ابتدا لازم دید تا سخنی را بگوید. او گفت: «دکتر سحابی نمونه و الگوی صفات مومن بود که از آن جمله است آرامش درون و بیرون به هنگام سختی‌ها.» پایان‌بخش سخنان صدر حاج سیدجوادی خاطراتی از دکتر سحابی بود. «هنگامی که در سال‌های ۱۳۴۰ به جرم شرکت در تاسیس نهضت آزادی ایران و عضویت در شورای مرکزی آن و مخالفت با انقلاب سفید شاه بازداشت و در پادگان نظامی عشرت‌آباد زندانی و در دادگاه نظامی محاکمه شد، آرامش و شکیبایی خود را از دست نداد.» او سپس خاطره دیگری بیان کرد که زمان آن به پس از انقلاب برمی‌گشت. او گفت: هنگامی که به همراه یارانش در سالروز تاسیس نهضت آزادی، برای ادای احترام به آیت‌الله طالقانی بر سر مزارش در بهشت‌زهرا جمع شده بودند، عناصر جاهل و نادانی با نهایت خشونت به جان آنها افتادند و پیرمرد را به همراه یار دیرینش مهدی بازرگان و همراهان، با چشمانی بسته به یک کاروانسرای مخروبه متروکه بردند و در آنجا نمایش دادگاه صحرایی و اعدام انقلابی را به اجرا گذاشتند. آنها که از نزدیک شاهد و نگران حال او بودند، گواهی می‌دادند که کمترین نشانه‌ای از تزلزل و تردید، ترس و ناراحتی از حرکت وحشیانه جاهلان در قیافه او دیده نمی‌شد.

■ سیاست در دامان اخلاق

پس از این سخنان نوبت به «امیر خرم» عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران رسید تا از پیشکسوت خود در این تشکل سیاسی بگوید. امیر خرم که سخنان خود را با عنوان «اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی» بیان می‌کرد، گفت: «مرحوم سحابی همچون مرحوم بازرگان و مرحوم طالقانی، متعلق به نسلی بود که سیاست را در دامان اخلاق آموخته بودند و هیچ‌گاه آموزه‌های اخلاقی را برای حصول نتایج سیاسی به کنار ننهادند.» او افزود: مرحوم سحابی از یک‌سو کسی بود که مولفه‌های اخلاق اسلامی را در خود پرورش داده بود و آن‌چنان در این وادی پیش رفته بود که موافقین و مخالفینش برپایبندی او به فضایل اخلاقی اذعان می‌کنند. از سوی دیگر وی کسی بود که بخش اعظم عمر خود را در عالم سیاست گذراند. در مقطعی قبل و بعد از انقلاب، به عنوان یکی از رهبران مخالف حکومتیان و در مقطعی کوتاه پس از انقلاب، به عنوان کارگزار حکومت. لیکن هیچ‌گاه، چه آن‌گاه که در درون ساختار حکومت بود و بر کرسی حکومت نشسته بود و چه آن‌گاه که بیرون ایستاده بود، فضیلت‌های اخلاقی را برای رسیدن به اهداف (حتی موجه) سیاسی زیر پا ننهاد و رسیدن به اهداف سیاسی را توجیه‌گر دست یازیدن به رذیلت‌های اخلاقی نساخت. او در ادامه به تبیین دو نوع «نظام اخلاقی» پرداخت، یک نظام اصل را بر حفظ حقوق مردم می‌داند و مهم‌ترین وظیفه حکومت را رعایت این نکته می‌داند. و نظام دیگر نظامی است که سمبل آن نیکولا ماکیاولی است. در این دیدگاه اصل بر حفظ نظام سیاسی است حتی اگر نیاز به زیر پا نهادن حقوق طبیعی مردم باشد. او سخنان خود را چنین پایان داد: «چگونه می‌توان با زیر پا نهادن فضیلت‌های اخلاقی موجود، نظامی سیاسی را بنیان نهاد که هدف غایی آن پیاده‌سازی همین احکام اخلاقی است. اما اگر مولفه‌های اخلاقی آن نظام آرمانی، با نظام اخلاقی موجود متفاوت است، باید از سوی مبلغان و مدعیان آن شیوه تبیین شود که آن نظام اخلاقی از چه مولفه‌هایی تشکیل شده است.»

■ تعادل بخشی نیاز امروز ما

پس از امیر خرم نوبت به الهه کولایی عضو جبهه مشارکت رسید تا در شرایطی که بنیادگرایان در کشورهای اسلامی دست به خشونت می‌زنند و از این راه چهره‌ای منفی از اسلام ارائه می‌دهند از «دینداری روشنفکرانه» بگوید. الهه کولایی سخنان خود را چنین آغاز کرد: «در دنیای عجیبی زندگی می‌کنیم، جهانی شدن سرعت تحولات آن را به همراه داشته است. دنیایی که اسلام، دین رحمت و شفقت و رهایی‌بخش انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها، با اتهام ترویج و تبلیغ تروریسم مواجه شده و اسلام ستیزان که قرن‌ها اسلام را دین شمشیر و نه منادی آزادی و برابری و تکریم انسان و احیای کرامت او خوانده‌اند، فضای مناسبی برای تشدید تبلیغات خود یافته‌اند.» به اعتقاد این استاد دانشگاه «دکتر یدالله سحابی عمر خود را در تلاش برای نشان دادن کارآمدی دین در عصری که برخی آن را نافی پیشرفت و بهبود وضعیت مادی و معنوی انسان‌ها معرفی می‌کردند، سپری کرد.» کولایی در ادامه گفت: «دکتر سحابی همواره مصالح عمومی را بر مصالح فردی و گروهی مقدم می‌دانست.» با این سخنان کولایی چنین نتیجه گرفت که پاسداشت این استاد گرانقدر دانشگاه و تلاشگر عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قدردانی از همه کسانی است که در مواجهه با امواج مدرنیته و برنامه‌های نوسازی روزآمد کردن آموزه‌های دینی را هدف قرار داده‌اند. با این مقدمه بود که کولایی وارد بحث اصلی خود شد. مقوله دینداری روشنفکرانه در ایران تجربه‌ای متفاوت و ویژه برای یافتن ساز و کار مناسب در مواجهه با مدرنیته را در تاریخ کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته است.

او سپس به تجربه کسانی اشاره کرد که تجربه آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی آنان روشنفکری ایران را زیر سئوال قرار داد. «نقش تخریبی برخی از روشنفکران ایرانی که بینش و سیاست خود را با قدرت‌های خارجی از آغاز قرن بیستم پیوند زده بودند.» بر این اساس کولایی گفت: «روشنفکری دینی تلاش برای پایان‌دادن به این بی‌تعادلی‌ها و حرکات زیگزاگی روشنفکران ایران بوده است. مسیری که حیات سیاسی- اجتماعی افرادی چون مرحوم دکتر سحابی و مرحوم مهندس بازرگان و دکتر شریعتی را می‌توان در پرتو آن ارزیابی کرد. او با این اعتقاد که «در آموزه‌های اسلامی عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است» گفت که آموزه‌های اسلامی کار، تولید و حیات مادی را مورد تکریم قرار داده و شرایط ذهنی را برای رنسانس جوامع اسلامی فراهم کرده است. خداوند تحول در جوامع انسانی را به دگرگونی در نفس انسان‌ها مربوط ساخت.» در این میان کولایی نظر دیگری را نیز مطرح کرد: «بسیاری از صاحب‌نظران بر این باور هستند که بنیادگرایی امروز نیز در پاسخ به امواج سنگین نو شدن که برای برخی با غربی شدن یکسان برآورد شده گسترش پیدا کرده است. او گفت: «مردمی که تضعیف فزاینده هویت، ارزش‌های بومی خود و نیز نابرابری‌های هولناک جهانی را مشاهده می‌کنند هر روز بیشتر جذب این گرایش‌های افراطی می‌شوند. بسیاری از مسلمانان برای مقابله با نفوذهای روزافزون بیرونی و به ویژه از سوی جوامع غربی به این افراط‌گرایی تمایل پیدا می‌کنند.» کولایی با این نتیجه‌گیری که «بنیادگرایی نفوذ خود را در سراسر جوامع از رشد و توسعه مانده اسلامی به‌ویژه در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و سرزمین‌های مسلمان‌نشین بازمانده از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گسترانیده است گفت: «ولی در ایران جریان دینداری روشنفکرانه مسیر متفاوتی را برای خروج از انزوا و عقب‌ماندگی برای رهایی از در حاشیه ماندن و در متن تحولات جهانی قرار گرفتن گشوده است.»

این استاد دانشگاه با این اعتقاد که جریان دینداری روشنفکرانه در ایران در تداوم جنبش بیداری مسلمانان از دو قرن گذشته گسترش یافته و این بیداری برخاستن مسلمانان از خواب چندین قرنه و بازنمایی آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی را جست‌وجو می‌کرد گفت: این بیداری مبارزه با رکود و جمود، عقب‌ماندگی‌های فنی و تکنولوژیک و خرافه‌گرایی و موهوم‌پرستی را هدف قرار داده بود. احیای ارزش‌های دینی و به نمایش گذاردن عدم تعارض «دین و دنیا» و «دین و آزادی»، «دین و تمدن»، «دین و پیشرفت»، «دین و مظاهر» و دستاوردهای تلاش‌های بشری و مسیر رفع نیازهای گوناگون انسان، در مسیر سلطه بر دشواری‌های محیطی، بر جبرهایی که انسان را احاطه کرده تا حدامکان.» کولایی سپس گفت: «نوگرایان دینی با باور به آموزه‌های اصیل اسلامی، دینداری را در کنار دنیاداری ترویج کردند که براساس این آموزه‌ها، دنیا مزرعه آخرت است و اسلام هرگز دین رهبانیت و انزواگرایی نبوده است.» او در ادامه «نوگرایی دینی را خاص ایران و روشنفکران دینگرای ایران ندانست»، اما گفت که پس از انقلاب اسلامی در ایران که خود پاسخی به امواج نوسازی دستوری بی‌هویت و منکر ارزش‌های دینی در ایران بود، روندی به سرعت فزاینده یافت. کولایی افزود: «نوگرایی دینی در ایران به مقابله کارآمد و جدی با مدل نوسازی وارداتی شاه پرداخت و توانست به عاملی موثر در برابر اجرای آن تبدیل شود.» کولایی در ادامه سخنان خود با تاکید بر اینکه «تعادل‌بخشی» نیاز امروز جامعه ما است، در تبیین این تعادل‌بخشی گفت: «تعادل میان مولفه‌های هویت بومی (ملی و دینی) ایرانی و اسلامی ما، در برابر امواج جهانی شدن که عام‌گرایی و یکسان‌سازی را در سراسر جهان معنی می‌کند.» او در پایان سخنان خود گفت که دینداران روشنفکر در تداوم تلاش‌های خود در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز تجربیات ارزشمندی اندوخته‌اند، تجربیاتی که جز در عرصه عمل اجتماعی قابل تحقق نبوده است. کولایی بهره‌گیری از تجارب سال‌های اخیر را ضرورتی دانست که نقد و ارزیابی تلاش‌های انجام شده را به عنوان تکلیفی اجتناب‌ناپذیر فراروی ما قرار داده است. او سخنان خود را با اشاره به شرایط پیچیده کنونی پایان داد و گفت: «حفظ دستاوردهای جریان دینداری روشنفکرانه جز با همت والای همه کسانی که دینداری آگاهانه را در عصر کنونی برپایه استفاده از تجارب موفق جوامع بشری هدف قرار داده‌اند، میسر نمی‌شود.»

خلاصه گزارش

۱- صدر حاج سیدجوادی: دکتر سحابی به هنگام سختی‌ها آرامش خود را حفظ می‌کرد.

۲- امیر خرم: دکتر سحابی نمادی از نظام اخلاقی بود.

۳- الهه کولایی: حرکت دکتر سحابی در جهت تعادل‌بخشی در جامعه بود.

۴- محسن کدیور: سحابی از همان ابتدای انقلاب به منتقدان پیوست.

۵- عزت‌الله سحابی در سخنانش به دفاع از عملکرد دولت خاتمی و نقد دولت جدید پرداخت.

۶- هدی صابر: مردان خدا همچون سحابی همواره با امید به خدا حرکت می‌کنند.

■ ۱۲ فروردین مظلوم‌ترین روز

پس از این سخنان بود که محسن کدیور استاد دانشگاه و پژوهشگر در حوزه دین و فقه سیاسی پشت تریبون قرار گرفت تا از «سرنوشت جمهوریت در ۲۷ سال گذشته» بگوید. کدیور برای ورود به بحث لازم دید تا ابتدای سخنان خود را به معرفی دکتر یدالله سحابی اختصاص دهد. «سحابی یکی از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران و یکی از مهم‌ترین قائلان به هم‌نشینی دین، علم، سیاست و اخلاص بود، چهار رکنی که اساس زندگی مرحوم سحابی را رقم می‌زند.» او در ادامه دین‌ورزی سحابی را خالصانه دانست، همانگونه که سیاست‌ورزی‌اش مخلصانه بود. بر همین اساس کدیور گفت: «اگرچه سحابی یکی از بنیانگذاران انقلاب اسلامی بود اما در همان آغاز راه به یکی از مهم‌ترین منتقدان جمهوری اسلامی تبدیل شد.» کدیور سپس به پیشینه تدوین قانون اساسی و نقش دکتر سحابی در نگارش پیش‌نویس این قانون اشاره کرد. او گفت: «قرار بود در دوازده فروردین جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد باشد.» کدیور سپس به بیانات رهبر فقید انقلاب در خصوص جمهوری اسلامی اشاره کرد. «جملاتی که در معرفی جمهوری اسلامی نقش محوری و اساسی داشت.» او سپس به اظهارات مرحوم دکتر مهدی حائری یزدی و سئوال وی از رهبر فقید انقلاب اشاره کرد. کدیور گفت که از مرحوم حائری یزدی نیز پرسیدم: «مراد امام از جمهوری اسلامی چه بود؟» ایشان گفت که «در اوایل سال ۵۷ نامه‌ای به حضرت آیت‌الله خمینی نوشتم و در آن نامه پنج معنا برای جمهوری ذکر کردم و از ایشان به عنوان استادم پرسیدم شما کدام یک از این موارد پنج‌گانه را اراده کرده‌اید، مرحوم آیت‌الله به اختصار به من پاسخ داد.»

کدیور گفت که از مرحوم حائری خواسته است این نامه را به او بدهد اما به دلیل فوت نتوانسته به این نامه دسترسی داشته باشد. لذا با تاکید گفت که «چنین نامه‌ای وجود دارد.» او سپس به سه جمله از رهبر فقید انقلاب در خصوص «جمهوریت» اشاره کرد. «جمهوری اسلامی، جمهوری است مانند همه جمهوری‌ها»، «جمهوری در جمهوری اسلامی به همان معنا است که در اینجا (فرانسه) است» و «جمهوری به همان معنا که در همه جا است.»

کدیور گفت: ما آن زمان که این جملات را شنیدیم قبول کردیم که رای‌مان در ۱۲ فروردین ۵۸ استقرار نظامی باشد با شاخص‌هایی در همه جمهوری‌های شناخته شده.

لذا او گفت: «من از آن رای دفاع می‌کنم، آنچه را که ما اراده کرده‌ایم اینها بود.» کدیور سپس گفت: «در میان روزهای ملی این کشور مظلوم‌ترین روز ۱۲ فروردین است که اخیراً قرار شده تعطیلی آن را حذف کنند.» او سپس با انتقاد از کسانی که در بیانات رسمی خود از جمهوری اسلامی یاد نمی‌کنند، اینگونه سخن گفتن را شبهه‌ناک ارزیابی کرد. کدیور سپس به سئوال مطرح در جامعه اشاره کرد: «چرا در این شش ماهه ایران تبدیل به کشور امام زمان شده است، چرا این همه از مهدویت گفته می‌شود، چه ارتباطی میان این حکومت و میان اعتقادی به نام مهدویت است.» او گفت: ما با یک فرآیند تقدیس‌گرایی در طول تاریخ‌مان مواجه بوده‌ایم. در این چندساله و به خصوص در این چندماهه روند این تقدیس‌گرایی بسیار قوی‌تر و برجسته‌تر از گذشته شده است. کدیور این روند را مختص به چندماهه اخیر ندانست. «روند قدیس‌سازی در قرن پنجم نیز مطرح بوده است.» او گفت: «در قرن پنجم هم که روند قدیس‌سازی آغاز شده بوده با سئوالاتی شبیه امروز مواجه بوده‌ایم و امروز هم ظاهراً افرادی به این نتیجه رسیده‌اند که ما یکی از مشکلاتمان کمبود قدیس است.» کدیور سپس در ادامه سخنان خود هفت ویژگی برای جمهوری برشمرد. «تساوی، ذی‌حق بودن و امکان استیفای حق» سه نکته‌ای است که در ویژگی اول برای جمهوری ذکر شد. «انتخاب مهم‌ترین شخصیت سیاسی حکومت از سوی مردم» ویژگی دوم بود که ذکر شد. «محوریت دوره زمامداری»، «پاسخگویی به مردم»، «زمامدار در حکومت جمهوری هیچ امتیازی بر دیگر شهروندان ندارد»، «مقید بودن اختیارات زمامدار در حکومت جمهوری به قانون» و «تفکیک قوا» از ویژگی‌های جمهوری بود که کدیور به تبیین آنها پرداخت. کدیور سپس به نغمه‌هایی که می‌گویند مراد از جمهوری، جمهوری ناب است اشاره کرد و به انتقاد از کسانی پرداخت که می‌گویند جمهوری اسلامی، حکومت گذار به حکومت اسلامی است. او سپس گفت: ما زمانی پذیرفتیم حکومت ما جمهوری باشد، جمهوری اسلامی؛ جمهوریتی که در آن هم ارزش‌های اسلامی رعایت شود و هم جمهوری به مانند جمهوری فرانسه باشد. کدیور سپس به وقایع اخیر در فرانسه اشاره کرد و گفت: «حکومتی جمهوری است که همواره در مقابل مردمش سر تسلیم فرود بیاورد. اگر دانشجویان و کارگرانش به اعتراض به حکومت تظاهرات کنند این معترضین نیستند که سرکوب می‌شوند، این حکومت است که گردن کج می‌کند و با کمال اقتدار می‌گوید سخن شما را شنیدم و به آن عمل می‌کنم.» او سپس به سه تظاهرات دانشجویی در فرانسه اشاره کرد که دولت در مقابل اراده مردم تسلیم شده است.

■ دفاع از برنامه‌های اقتصادی دولت خاتمی

پس از این سخنان هدی صابر پشت تریبون قرار گرفت و گفت: «سخنران آخر در حد امکان در عرصه بوده به حاشیه رضا نداده، با عبور پیچ‌ها، خم‌ها، دالان‌ها، اگر یک دالان شش‌پله را طی کند در صفحه کوچک ما نیز حاضر خواهد شد.» با این معرفی کوتاه عزت‌الله سحابی پشت تریبون قرار گرفت تا از دغدغه‌های ملی‌اش در سالروز درگذشت پدرش بگوید. عزت‌الله سحابی ترجیح داد تا به نقد برنامه‌های اقتصادی دولت بپردازد. هشت ماهی که به اعتقاد او چند سرمایه از ما گرفته شده است. او ابتدا به موفقیت‌های دولت خاتمی در زمینه اقتصادی اشاره کرد و گفت: رشد اقتصادی ایران طی هشت سال دولت خاتمی ۴/۴ درصد در سال متوسط بوده و توانسته است حجم سرمایه‌گذاری را ۱۰ یا ۱۲ درصد به ۳۰ درصد کل درآمد ملی برساند. او سپس به دو متمم لایحه بودجه سال ۸۴ در عرض پنج ماه اشاره کرد و به نقد بودجه سال ۸۵ پرداخت. سحابی بودجه سال ۸۵ را باعث مخدوش شدن برنامه چهارم و نفی دستاوردهای دولت خاتمی دانست و گفت: می‌شد امیدوار باشیم براساس برنامه چهارم افق روشنی در مورد اقتصاد ایران در جلوی چشم ما گشوده شود.

او در ادامه به مشکلات اقتصادی ایران اشاره کرد و گفت: «کارگردانان اقتصاد ایران جماعتی هستند که به اخلاقیات و بینش خاصی متکی هستند. بینش نفتی و اخلاقیات بی‌تقوایی، تقوایی که عرض می‌کنم تقوای مذهبی نیست، تقوای اجتماعی است. یعنی اگر بودجه‌ای در مجلس تصویب شد، مسئولان به این احکام پایبند باشند نه آنکه پوششی باشد برای اجرای خواست‌ها.» بر این اساس او گفت: اولین اقدام دولت حاضر نفی کردن دستاوردهای هشت سال گذشته است. سحابی در ادامه پیش‌بینی کرد که ایران در سال ۸۵ با سیل واردات مواجه خواهد شد و این به معنای افزایش مصرف و تورم است. او در ادامه به سفرهای